

مقاله پژوهشی: نقش پایش محیطی توسط رسانه‌های جمعی در پیش‌بینی

بحران‌های قومی

عبدالله مرادی^۱، محسن محمدی^۲، صفیه رضایی^۳

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۶/۲۳

چکیده

بحران‌های قومی، یکی از جدی‌ترین چالش‌های امنیت ملی برای دولت-ملت‌های مدرن می‌باشد. بایستی برای مدیریت بهینه این بحران‌ها، هرچه بیشتر بر روی مدیریت مرحله پیش از بحران و به‌طور خاص «پیش‌بینی بحران‌ها»، تمرکز شود. به‌ویژه اینکه تکثر قومی در ایران، علی‌رغم همبستگی تاریخی، اما به‌واسطه برخی ناکارآمدی‌های داخلی و بحران‌سازی خارجی می‌تواند واجد آسیب‌هایی در حوزه امنیت ملی گردد. در این میان رسانه‌های جمعی به‌واسطه برخورداری از «کارکرد پایش محیطی»، می‌توانند بحران‌های بالقوه و در حال شکل‌گیری در محیط ملی را شناسایی و به نهادهای مدیریت بحران گزارش کنند. چه اینکه عدم پایش محیط بحران قومی می‌تواند منجر به تشدید تنش و افزایش آسیب‌پذیری‌های ملی گردد. هدف این پژوهش بررسی و تبیین تأثیر «پایش محیطی رسانه‌های جمعی» در «پیش‌بینی بحران‌های قومی» می‌باشد. به همین دلیل پرسش اساسی مطرح می‌شود که: «پایش محیطی رسانه‌های جمعی چگونه در پیش‌بینی بحران‌های قومی تأثیر می‌گذارد؟» برای پاسخ به این پرسش، از روش پیمایش با جامعه آماری نخبگانی این حوزه استفاده شده و داده‌های حاصل از پژوهش نیز با استفاده از آزمون «تی استیودنت» و به کمک نرم‌افزار «اس.پی.اس.اس» مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و در نهایت نتایج پژوهش تأیید می‌کند که: «پایش محیطی رسانه‌های جمعی» در «پیش‌بینی بحران قومی» با سنجش دو عامل محیطی؛ بازیگران بحران و تحولات بحران، دارای تأثیرات معناداری می‌باشد.

کلید واژه‌ها: رسانه‌های جمعی، مدیریت بحران، بحران قومی، پایش محیطی، پیش‌بینی.

۱. دانش‌آموخته دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول) moradi.abdollah@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه شاهد.

۳. کارشناس ارشد سیاست‌گذاری عمومی، دانشگاه تهران.

بحران از ابتدا یکی از واقعیت‌های اجتناب‌ناپذیر زندگی بشر است. در دوران مدرن نیز محیط اجتماعی زندگی انسان، به دلیل تحولات ناشی از نوگرایی (افزایش جمعیت، شهرنشینی، وابستگی فزاینده به فناوری و تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی) به فضایی بحران‌زا تبدیل شده است. به‌ویژه بر اثر انقلاب ارتباطات و حضور رسانه‌ها، بحران کوچکی در یک بخش، اثرات زیادی بر سایر نقاط برجای می‌گذارد (قلی‌پور و پورعزت، ۱۳۸۷: ۳۰). حجم بحران به‌وسیله سه عامل؛ «دامنه فراگیری»، «شدت وقوع» و «مدت دوام بحران» مشخص می‌گردد. بحران با برهم زدن نظم حاکم یا قسمت‌هایی از آن، موقعیت‌هایی را که مستلزم پاسخ‌دهی آنی و اختصاص منابع فوق‌العاده و دیگر فعالیت‌های لازم است را به وجود می‌آورد و موجب سردرگمی و غافلگیری نهادهای تصمیم‌گیرنده می‌شود. در مقابل این وضعیت، مفاهیم و مبانی «مدیریت بحران» مورد تدوین نظری و عملیاتی قرار می‌گیرد تا بتواند ثبات و امنیت را تحقق بخشد. مهم‌ترین مرحله این فرایند؛ «پیش‌بینی بحران» است، چرا که شگفت‌زدگی و غافلگیری، اولین عامل مخرب در بسیاری از بحران‌ها است.

یکی از بحران‌های سیاسی- اجتماعی که رسانه‌ها می‌توانند نقش مؤثری را در شکل‌گیری و یا مهار آن بر عهده داشته باشند، «بحران‌های قومی» می‌باشد. برخلاف بحران‌های طبیعی که زمان شکل‌گیری و فروکش کردن آن‌ها کوتاه است، بحران‌های قومی از آن دسته بحران‌ها می‌باشند که دارای آثار اجتماعی دیرپا و تنش‌های سیاسی طولانی مدت بوده که می‌توانند موجبات خسارت‌های جبران‌ناپذیری را در حوزه سرزمینی نیز ایجاد نمایند. از این منظر تاریخ معاصر ایران گویای آسیب‌های مادی و معنوی سنگینی است که به‌واسطه بحران‌های قومی و به‌طور عمده با هدایت خارجی بر کشور تحمیل گردیده است. بحران‌های قومی از یک‌سو کشور را از توسعه فراگیر و باثبات بازداشته و از سوی دیگر، نظام سیاسی حاکم و همبستگی اجتماعی را با چالش‌های متعددی روبه‌رو می‌سازد. به همین دلیل اگر از بحران و تضاد قومیت‌ها با ابزارهای مؤثر پیشگیری نشود، مدیریت بحران کاری بس دشوار خواهد شد (قلی‌پور و پورعزت، ۱۳۸۷: ۳۴). در اینجا توجه به رسانه‌های جمعی به‌عنوان یک ضرورت امنیت ملی مطرح می‌شود. چه اینکه رسانه‌ها می‌توانند به‌عنوان یکی

از عوامل شکل دهنده و تشدیدکننده بحران درآیند و یا برعکس در صورت ایفای نقشی مسئولیت‌پذیر و جایابی در ساختار امنیتی کشور، مهم‌ترین وسیله برای مدیریت بحران قلمداد شوند. در صورت بهره‌گیری از رسانه‌های جمعی برای مدیریت بحران، آن‌ها می‌توانند به واسطه کارکرد نظارت بر محیط (تعامل مستمر با افکار عمومی، رصد و پوشش تحولات سیاسی، اجتماعی و...)، نقش پیش‌بینی و پیشگیری از بحران را ایفا نمایند. به‌ویژه اینکه در مدیریت بحران قومی، تمرکز و توجه اصلی مدیریت بحران، بر مرحله پیش از بحران و به‌طور خاص «پیش‌بینی بحران» ضروری به نظر می‌رسد؛ بنابراین هدف این پژوهش تبیین تأثیر «پایش محیطی رسانه‌های جمعی» در «پیش‌بینی بحران‌های قومی» می‌باشد که در واقع خلأ موجود در نقش مثبت و اثرگذار رسانه‌ها در مرحله پیش از بحران را جبران نماید. چه اینکه در زمینه نقش رسانه‌ها در مدیریت بحران قومی، کار اندکی انجام شده و پژوهش‌های صورت گرفته از پراکندگی زیادی برخوردارند، این پژوهش بر آن است تا ضمن بررسی ادبیات موضوع و تهیه پرسشنامه محقق‌ساخته و مراجعه به نخبگان حوزه رسانه و بحران، به تبیین تأثیر «پایش محیطی رسانه‌های جمعی» در «پیش‌بینی بحران‌های قومی» بپردازد.

بر همین اساس در پژوهش حاضر، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که؛ «پایش محیطی رسانه‌های جمعی چگونه در پیش‌بینی بحران‌های قومی تأثیر می‌گذارد؟» برای پاسخ به این پرسش چند سؤال فرعی نیز طرح می‌گردد؛ «مؤلفه‌ها، فرایندها و بازیگران پایش محیطی بحران قومی توسط رسانه‌ها چگونه تبیین می‌گردد؟»، «آیا پایش بازیگران بحران‌ساز توسط رسانه‌های جمعی، در پیش‌بینی بحران‌های قومی تأثیر دارد؟»، «آیا پایش تیزبینانه تحولات (تحولات بحران‌ساز) توسط رسانه‌های جمعی، در پیش‌بینی بحران‌های قومی تأثیر دارد؟». در پاسخ به این پرسش‌ها پس از بحث مفاهیم و مبانی نظری پژوهش، مانند بحران، مدیریت بحران، رسانه و ... در بخش دوم، الگوی تحلیلی پژوهش، در پاسخ به سؤال فرعی که مشخص‌کننده عوامل و مؤلفه‌های بحران قومی و نقش رسانه‌های جمعی باشد ارائه می‌شود. الگوی تحلیلی برگرفته از مبانی نظری است و از سوی دیگر زیربنای بخش پیمایشی-پژوهشی قرار می‌گیرد. چه اینکه پرسشنامه پژوهش براساس این الگوهای

مفهومی و تحلیلی تدوین می‌شود. در بخش سوم، روش پژوهش در قالب؛ تدوین پرسشنامه، گویه‌ها، جامعه آماری و ... تشریح می‌شود. در بخش چهارم یافته‌های پژوهش براساس تحلیل پرسشنامه‌ها ارائه می‌گردد تا به‌عنوان نتایج عملی در کنار مبانی نظری پژوهش قرار گیرد. در انتها نیز جمع‌بندی پژوهش خواهد آمد.

مباحث نظری و پیشینه‌شناسی پژوهش

الف. بحران و مدیریت بحران

دانش پژوهان بحران را به معنای؛ فشار، اضطراب، فاجعه، بلا، خشونت به کار می‌برند که به‌عنوان یک «نقطه عطف» میان یک تحول مساعد و نامساعد در حال ارگانیزم قرار می‌گیرد (تاجیک ۱۳۷۹: ۵۱). از نظر «شاوون مک کارتی^۱» در کتاب «نقش اطلاعات در مدیریت بحران»، بحران‌ها موقعیت‌هایی هستند که مستلزم پاسخ‌دهی آنی و اختصاص منابع فوق‌العاده‌اند (مک کارتی، ۱۳۸۱: ۱۰). از منظر سیستمی بحران به وضعیتی اطلاق می‌شود که: «یک دسته حوادث و وقایع که به‌سرعت حادث گردیده و تعادل نیروها را در سیستم کلی یا سیستم‌های فرعی، بیشتر از حد متعارف بر هم زده و امکان تشدید تخاصم در سیستم را افزایش می‌دهند» (تاجیک، ۱۳۷۹: ۶۰-۶۱). با توجه به این تعاریف می‌توان ویژگی‌هایی برای مفهوم بحران ارائه نمود؛ نظیر اینکه بحران؛ ۱- هدف‌های عالی واحد تصمیم‌گیرنده را تهدید می‌کند، ۲- زمان واکنش را برای اخذ تصمیم محدود می‌کند، ۳- عناصر و عوامل تصمیم‌گیرنده را با بروز ناگهانی خود غافلگیر می‌کند؛ بنابراین سه عامل مهم؛ «تهدید»، «زمان» و «غافلگیری» در تعریف و تشخیص بحران نقش اساسی دارند (نجات‌بخش و باقری، ۱۳۸۷: ۱۴۰). براساس تعاریف ارائه‌شده، مدیریت بحران نیز دارای گستره مفهومی-تعریفی وسیعی می‌گردد که دربرگیرنده هر تمهیدی برای پرهیز از بحران، جستجوی اندیشمندانه بحران، خاتمه و مهار بحران در راستای تأمین منافع ملی و ... است (تاجیک، ۱۳۷۹: ۷۰). در مدیریت بحران آنچه اهمیت دارد؛ کاهش آسیب‌های بحران است.

ب. ریشه‌ها و مؤلفه‌های بحران قومی

بحران‌های قومی اساساً بر روی تعارض‌های فرهنگی و تفاوت‌های هویتی در مرزهای مشترک سیاسی شکل می‌یابند. در این راستا ناسیونالیسم قومی، ملت را برحسب قومیتی تعریف می‌کند که نژاد اجدادی و پس از آن فرهنگ و عقاید مشترک از عناصر اصلی آن است (بارت و همکاران، ۱۹۸۷: ۳۳). گروه‌های گوناگون زبانی، قومی و مذهبی موجود در ایران، بخش‌های جداناپذیر جامعه بزرگ‌تری بوده‌اند که در طول قرن‌ها، تجربیات تاریخی و میراث فرهنگی واحدی به دست آورده‌اند. به گونه‌ای که در ایران، قبایل بیشتر موجودیت‌های سیاسی - اجتماعی بوده‌اند تا جوامع بیولوژیک و خویشاوندی (احمدی، ۱۳۸۶: ۵۲-۵۰). با این حال شکل‌گیری دولت مدرن در ایران به واسطه ظهور دولت مطلقه رضاخانی، سرآغاز بروز تعارضات قومی در ایران بوده است. رویکرد خشن یکسان‌سازی فرهنگی آن دوره در قالب‌هایی چون: تخته‌قاپو کردن (یک‌جانشینی اجباری)، کوچاندن اقوام، لباس واحد و کلاه پهلوی و ... منجر به تولید خشونت‌های هویت پایه قومی در ایران گردید که پس از آن در هر زمان مناسبی، دوباره پدیدار شده‌اند (نقیب‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۸۶).

بحران قومی به عنوان یکی از تهدیدات امنیت ملی در کشور امکان ظهور دارد. به‌طور کلی این بحران‌ها با دو سرمنشأ اصلی محیطی و غیر محیطی تقسیم‌بندی می‌شوند: عوامل غیر محیطی؛ شامل فرهنگ دین و ایدئولوژی (الطایبی، ۱۳۸۲: ۵۸) (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۸۰: ۲۳) و عوامل محیطی؛ شامل محیط داخلی (عوامل سیاسی، روان‌شناختی، اقتصادی، اجتماعی) و عوامل محیط خارجی است. در یک تقسیم‌بندی دیگر، نظریات تبیین‌کننده بحران قومی را می‌توان در چند دسته اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دسته‌بندی کرد. جامعه‌شناسان برای تبیین بحران‌های قومی، به‌طور عمده بر جنبه‌های ساختاری جامعه، انحصار موقعیت‌های عمده اجتماعی توسط اعضای یک گروه، توزیع نابرابر و غیر عادلانه فرصت‌ها و تبعیض اجتماعی در قالب نظریاتی چون؛ «استعمار داخلی»، «محرومیت نسبی»، «هویت‌جویی» و ... تأکید دارند (صالحی امیری، ۱۳۹۱: ۱۳۰-۱۲۸). رویکرد سیاسی نیز به‌طور عمده نخبگان قومی و سازمان‌های سیاسی قومیت‌گرا را عامل اصلی رشد گرایش‌های قومی به شمار

می‌آورد (جویرمان، ۲۰۰۳: ۳۵). در رویکرد اقتصادی، تبیین شکاف‌های قومی؛ توزیع نابرابر منابع ملی و بی‌توجهی حکومت‌های مرکزی به نیازهای معیشتی مناطق سکونت گروه‌های قومی به‌ویژه انطباق یافتن مرزهای محروم منطقه‌ای با مرزهای قومی مد نظر قرار می‌گیرد (ایزدی، ۱۳۸۳: ۴۷).

در زمینه علل بروز مسائل قومی در مورد خاص ایران نیز مطالعات متعددی صورت گرفته است، «حمید احمدی» سه عامل دخالت بیگانگان، ضعف دولت مرکزی و فعالیت نخبگان قومی را در رشد جریان‌های قومی مؤثر می‌داند (احمدی، ۱۳۷۸: ۹۳).

«مجتبی مقصودی» علاوه بر سه عاملی فوق، به گزینش عقلانی، احساس محرومیت نسبی، نقش‌آفرینی ابرقدرت‌ها، ساخت نابرابر اجتماعی، موقعیت جغرافیایی خاص، اقتضائات دوران گذار در عرصه داخلی و ساخت نظام بین‌الملل نیز توجه کرده است (مقصودی، ۱۳۸۲: ۲۲۶).

«صالحی امیری» علل و زمینه‌های اصلی بروز مسائل قومی و کنونی در ایران را فقدان استراتژی الگوی منسجم و پایدار و عدم واقع‌گرایی در مدیریت مسائل قومی در ایران دانسته است که در نهایت موجب انباشت و تراکم تقاضاهای قومی، نارضایتی اقوام از وضع موجود شده است (صالحی امیری، ۱۳۸۵: ۱۱۲).

در کنار تمامی عوامل ساختاری نیز نگاهی به رخداد‌های تاریخ معاصر کشور نشان می‌دهد که نفوذ و مداخله عوامل بیگانه در درگیری‌های قومی همواره از علل اصلی بحران قومی بوده است (عساریان‌نژاد، ۱۳۸۳: ۴۹) که مهم‌ترین مثال‌های تاریخی آن؛ فرقه دموکرات آذربایجان، شیخ خزعل در خوزستان و حزب دموکرات کردستان بوده است. در دهه اخیر نیز همواره کشورهای بیگانه با تمرکز بر رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی به ایجاد التهاب در مناطق قومی کشور مبادرت ورزیده‌اند که می‌توان به اعتراضات در آذربایجان، خوزستان نسبت به برخی برنامه‌های تلویزیونی و یا در کردستان در اعتراض به اعدام تروریست‌ها یا قتل‌ها و ... اشاره نمود.

ج. رسانه و بحران

«رسانه‌های ارتباط جمعی»^۱ به‌طور کلی به وسایلی اطلاق می‌شود که فرستنده به کمک آن معنا و مفهوم مورد نظر خود (پیام) را به مردم یک جامعه (افراد ناآشنا، غیر مشخص و نامتجانس که به‌آسانی قابل شمارش نیستند) انتقال می‌دهد و مردم نیز از آن برای اعلام پیام‌ها، افکار و انتقال مفاهیم به یکدیگر استفاده می‌کنند. این وسایل عبارت‌اند از: مطبوعات، رادیو، تلویزیون و خبرگزاری‌ها و ... (امیرتیموری، ۱۳۷۷: ۱۶)، البته امروزه با گسترش استفاده روزافزون از اینترنت، رسانه‌های برآمده از فضای اینترنت جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده‌اند. اندیشمندان علوم اجتماعی، «رسانه‌های جمعی» را در ردیف عوامل شخصیت‌ساز قرار داده و بر این باورند که رسانه‌های جمعی می‌توانند هنجارهای اجتماعی را تقویت یا تضعیف ساخته (کونن، ۱۳۸۲: ۱۱۲) و به تسطیح فرهنگی و یکسان شدن الگوها و اندیشه‌ها منجر شوند (کازینو، ۱۳۸۷: ۱۵۵). نقش واسطه‌گری رسانه‌ها میان افکار عمومی و حاکمیت، همچنین گستره انبوه مخاطبان و نیاز آنان به اطلاعات به اشکال گوناگون صوت، متن، تصویر و یا ترکیبی از هر سه، قدرت رسانه را در میان اعضای جامعه به‌شدت افزایش داده است (وردی‌نژاد و بهرامی، ۱۳۸۸: ۱۲۷) و به همین دلیل به‌واسطه این قدرت ارتباطاتی و اطلاعاتی، رسانه‌ها می‌توانند نقشی بسیار مؤثرتر از سایر بازیگران بر عهده داشته باشند (قلی‌پور و پورعزت، ۱۳۸۷: ۳۰). رسانه‌های جمعی به‌واسطه قابلیت‌ها و کارکردهایی؛ چون اطلاع‌رسانی، آموزش، سرگرم‌سازی و مهم‌تر از همه، فرهنگ‌سازی، می‌توانند نقش بی‌بدیلی در مراحل مختلف بحران‌ها ایفا کنند (روشندل اربطانی، ۱۳۸۷: ۱۵۱).

با توجه به مباحث رسانه و مدیریت بحران می‌توان پیشینه پژوهشی را در قالب جدول شماره ۱ مورد بررسی قرار داد. این پیشینه نشان می‌دهد که بررسی این موضوع در سطوح نظری و مبتنی بر داده‌های کتابخانه‌ای صورت گرفته است. عمده پژوهش‌ها نیز بر مراحل پیشگیری بحران و ارائه توصیه‌های کلی متمرکز هستند. بر این اساس پژوهش حاضر در بررسی پیش‌بینی بحران قومی با بهره‌گیری از پایش رسانه‌ای، دارای نوآوری است. به‌ویژه اینکه چارچوب تحلیلی پژوهش با ارائه شاخصه‌ها و بازیگران مؤثر در بحران قومی و

همچنین بهره‌گیری از پیمایش و نظر کارشناسان واجد ابعاد نوینی در پژوهش‌های حوزه مدیریت بحران و رسانه است.

جدول شماره ۱: پیشینه پژوهشی مرتبط با نقش رسانه و مدیریت بحران

ردیف	عنوان	محل انتشار	پدیدآور	خلاصه پژوهش
۱	نقش مدیریت رسانه در تحول بحران از تهدید به فرصت	مقاله فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی	طاهر روشندل اربطانی	مقاله با روش اسنادی و بررسی منابع آرشیوی چهار راهبرد رسانه‌ای؛ انفعالی، واکنشی، فعال و فوق فعال را در مواجهه با بحران برمی‌شمارد.
۲	نقش رسانه ملی در رصد و مدیریت پنهان اجتماعی: مدیریت قومیت‌ها	مقاله فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی	آرین قلی‌پور و علی پورعزت	این پژوهش با برشمردن و بررسی چهار راهبرد انکار، بی‌تفاوتی، قوم‌مداری و فوق فعال، بهترین راهبرد در مدیریت قومیت‌ها را راهبرد فوق فعال معرفی می‌کند که در واقع به معنای مشروعیت‌دهی و احترام به همه قومیت‌ها است.
۳	Risk, crisis and security management	کتاب West Sussex: John Wiley and Sons Ltd	Borodzicz, E. P	پژوهش اصول مدیریت بحران را در این گونه تشریح می‌کند: ۱- محدودیت اهداف ۲- نیاز به اطلاعات ۳- برنامه‌ریزی شرایط اضطراری ۴- مهار ابزار برای دستیابی به اهداف ۵- اصل ارتباط ۶- مشروعیت.
۴	نقش رسانه‌های جمعی در پیشگیری از بحران‌ها	مقاله فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی	نجات‌بخش اصفهانی و باقری	پژوهش به بررسی نقش رسانه‌ها در قبل، حین و پس از بحران تمرکز و عواملی چون آگاه‌سازی جامعه، هشدار به مسئولان، ایجاد وفاق اجتماعی و... را به‌عنوان کارکردهای رسانه‌ها در پیشگیری از بحران برمی‌شمارد.

الگوی نظری - تحلیلی پژوهش

رسانه‌ها با توجه به ایفای وظیفه جمع‌آوری، تدوین و انتقال اطلاعات و تأمین نیازهای مخاطبان در زمینه‌های مختلف را بر عهده داشته و به همین دلیل مشارکت مهمی در فرآیند شکل‌دهی افکار عمومی دارند. بر همین اساس نیز نقش قابل ملاحظه‌ای در بحران‌ها و کشمکش‌های اجتماعی - سیاسی ایفا می‌کنند.

الف. نقش نظارتی و پایش محیطی رسانه‌ها

اگر بحران‌های سیاسی، اجتماعی و ... در حوزه قومی با ابزارهای مؤثر پیشگیری نشود، مدیریت بحران‌های قومی کاری بسیار مشکل خواهد بود (قلی‌پور و پورعزت، ۱۳۸۷: ۳۴). در این میان بهترین راهبرد برای مدیریت بحران، مدیریت بیش‌فعال است که مسائل بالقوه یا در حال پیدایش را به موقع شناسایی نموده و از مواجه شدن با بحران در آینده جلوگیری می‌نماید (رضائیان، ۱۳۸۲: ۲۶). این مسئولیت‌ها بیشتر به وظایف کلی رسانه بازمی‌گردد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: «نقش نظارتی» (پایش محیطی)، «نقش آموزشی و اطلاع‌رسانی»، «نقش هدایت و رهبری» و «نقش انتقال تمدن و فرهنگ جوامع» (وردی‌نژاد و بهرامی، ۱۳۸۸: ۱۳۳).

کارکرد نظارت بر محیط؛ شامل اخبار و اطلاعاتی است که رسانه‌ها در مورد رویدادهای ملی و بین‌المللی فراهم و به مخاطبان منتقل می‌کنند. بر این مبنا رسانه‌ها بسیار زودتر از مدیران به پیش‌بینی بحران مبادرت می‌کنند و با پیگیری‌های گسترده‌تر، از مدیران دولتی برای ارائه تحلیل‌های گوناگون آماده‌تر هستند. به‌گونه‌ای که رسانه‌ها می‌توانند با دریافت نشانه‌ها، سوژه‌ها را تا مرز بحران دنبال نمایند (وردی‌نژاد و بهرامی، ۱۳۸۹: ۱۴۳). البته کارکرد نظارت می‌تواند؛ شامل چندین کژکارکرد نیز بشود. به‌عنوان مثال، ایجاد وحشت در جامعه به سبب تأکید بیش‌ازحد رسانه بر خطرات و تهدیدها یکی از این کژکارکردها می‌باشد. در مقابل نیز ممکن است در اثر جذب بیش‌ازحد اطلاعات، جامعه دچار بی‌اعتنایی و رخوت گردد (سورین و تانکار، ۱۳۸۶: ۴۵۰).

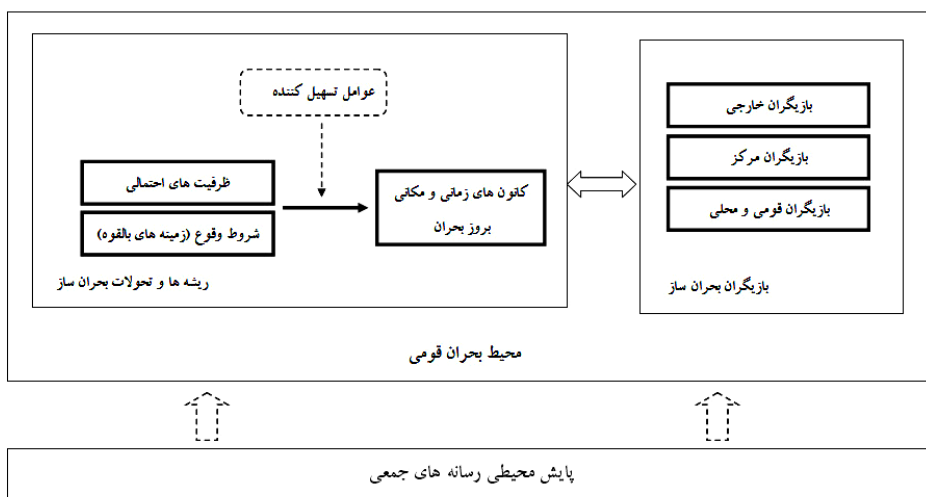
ب. پیش‌بینی و مدیریت بحران

بحران‌ها دارای مراحل متفاوتی‌اند. شناخت مراحل بحران بر توضیح رابطه این پدیده با رسانه‌ها تأثیرگذار است (بشیر، ۱۳۸۷: ۵۵). الگوهای گوناگون معمولاً مراحل و اقدامات مختلفی را برای فراگرد مدیریت بحران برمی‌شمارند که در یک دسته‌بندی کلی می‌توان آن‌ها را در سه دسته جای داد: «اقدامات پیش از بحران»، «اقدامات حین بحران» و «اقدامات پس از بحران». مرحله پیش‌بینی اولین گام در الگوی جامع مدیریت بحران محسوب می‌شود که همانا معادل مراحل تشخیص و انتظار در الگوهای دیگر است. در این مرحله باید با اتخاذ رویکرد بحران‌پذیری و تجهیز به راهبرد فوق‌فعال، به پیش‌بینی بحران‌ها پرداخت و به عبارتی قبل از وقوع غافلگیرانه، به استقبال آن رفت. برای این منظور وجود سیستم‌های اطلاعاتی و پایش محیطی قوی لازم است (صلواتیان، ۱۳۸۹: ۴۹). در واقع آنچه می‌تواند مدیران را قادر به کنترل و مدیریت بحران نماید، درک و دریافت نشانه‌های بروز و شکل‌گیری بحران است. این امر می‌تواند سازمان‌ها را در حالتی فعال برای مواجهه و یا به عبارت بهتر پیشگیری از بروز بحران قرار دهد (مصطفی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۸۹). در واقع پیش‌بینی بحران؛ «فعالیتی روشمند و عبارت از ارزش‌یابی یک روند با درجه‌ای از اطمینان (احتمال) در طول یک دوره خاص است». یک مبنای مهم در پیش‌بینی، بسط دادن تحولات گذشته بر آینده با استفاده از برخی فرض‌های خاص برای تداوم با تغییر روندها است. هدف از پیش‌بینی، محاسبه و بیان روشن برخی از رویدادها در شرایط آتی است تا سیستم مدیریت بحران بتواند شرایط آینده را به‌خوبی درک نموده و برای مشکلات آینده برنامه‌ریزی نماید (تاجیک، ۱۳۸۴: ۸۹). مرحله پیشگیری نیز گام بسیار مهمی در فراگرد مدیریت بحران است که پس از مرحله پیش‌بینی مطرح می‌شود. در اینجا نقش رسانه‌ها در اعمال سیاست‌های عملیات روانی، برای مقابله با «ظرفیت‌های احتمالی» بروز بحران تعریف می‌گردد.

ج. پیش‌بینی بحران قومی

مدیریت بحران در مرحله پیش‌بینی، در واقع نوعی «شناخت وضعیت» و «برآورد» است. به همین دلیل آنچه محور فعالیت پایش محیطی رسانه‌ها خواهد بود، در واقع ارائه شناخت

از وضعیت و برآوردی است که نسبت به زمینه‌ها و بازیگران بحران کسب می‌کند؛ چرا که رسانه‌های جمعی به واسطه تعامل مستمر با افکار عمومی، رصد «ریشه‌ها تحولات بحران‌ساز» و «بازیگران بحران‌ساز» به ایفای نقش نظارتی خود در شرایط بحران می‌پردازند (صلواتیان، ۱۳۸۹). به همین دلیل در این پژوهش نقش نظارتی رسانه‌های جمعی به‌عنوان متغیر مستقل و پیش‌بینی بحران قومی به‌عنوان متغیر وابسته می‌باشد. این موضوع را می‌توان در نمودار شماره ۱ مشاهده نمود.



نمودار شماره ۱: الگوی مفهومی پایش محیطی بحران قومی توسط رسانه‌های جمعی

آن‌چنان که مشخص است، رسانه در قالب پایش محیطی می‌تواند، زمینه‌های بروز بحران را در قالب شناخت و بررسی «شرط یا شروط وقوع» پدیده یا واقعه بحران (مثل وجود نارضایتی و سیاسی شدن آن) مورد مطالعه مستمر پیشینی قرار دهد. در گام بعدی آنچه عوامل زمینه را به فعلیت درمی‌آورد، «عوامل تسهیل‌کننده» بروز واقعه (مانند زمینه‌ها و همچنین وجود نارضایتی‌های تعمیم‌یافته، فضای روانی اجتماعی، مطالبات متراکم‌شده و ...) است که بروز بحران را در مقاطع خاص زمانی تسهیل می‌کند. شناخت و برآورد «ظرفیت احتمالی» یا امکاناتی که در فرایند بحران در جهت پیشبرد اهداف بحران قابل بسیج و فعال‌سازی می‌باشند نیز مرحله دیگر پیش‌بینی بحران است تا بتوان در یک فرایند مفهومی «وجود کانون‌های زمانی و مکانی مشخص» را که می‌تواند با تبدیل اعتراضات فردی به اعتراضات جمعی از دیگر

نشانه‌های پیدایش بحران در جامعه محسوب شود را کشف کرد. در این فرایند، رسانه بایستی بازیگران مؤثر در فرایند بحران را نیز مورد پایش دائمی قرار دهد. به همین دلیل شناخت، برآورد و بررسی «اهداف، انگیزه‌ها، راهبردها و رفتار جریان‌های سیاسی و گروه‌های اپوزیسیون نظام سیاسی»، «راهبردهای کشورهای حمایت‌گر» نیز می‌توانند مؤثر واقع گردند. چه اینکه موضع‌گیری کشورهای متخاصم در خصوص بحران‌های قومی و میزان حمایت آنان از وقوع بحران می‌تواند در پیش‌بینی رخدادهای آتی مؤثر واقع شوند.

با توجه به الگوی مفهومی، برای آغاز فرایند اکتشافی پژوهش، الگوی تحلیلی پژوهش نیز ارائه می‌گردد. در این الگو که منبع پژوهشی برای تدوین پرسشنامه می‌باشد، ابعاد متغیر اصلی پژوهش مورد شاخص‌سازی قرار گرفته است که در جدول شماره ۲ قابل ملاحظه است.

جدول شماره ۲: الگوی تحلیلی پژوهش براساس شاخص‌سازی متغیر اصلی

مفاهیم	ابعاد	شاخص‌ها
پایش محیطی رسانه‌های جمعی	رصد بازیگران بحران‌ساز	مواضع رسانه‌های بیگانه در قبال قومیت‌های داخلی
		مواضع رسانه‌های قومی در قبال حکومت مرکزی
		مواضع رسانه‌های حکومت مرکزی در قبال قومیت‌ها
		مواضع نخبگان قومی در قبال حکومت مرکزی
		مواضع انجمن‌ها و احزاب قومی در قبال حکومت مرکزی
		مواضع مسئولان ارشد حکومتی در قبال قومیت‌ها
		مواضع کشورهای بیگانه در قبال قومیت‌های داخلی
	رصد ریشه‌ها و تحولات بحران‌ساز	نشست‌های حکومت مرکزی (با نمایندگان قومی) جهت مدیریت اختلافات (توانایی حکومت در حل اختلاف)
		میزان به‌کارگیری نخبگان قومی در اداره امور مناطق قومی
		میزان حضور نخبگان قومی در مسئولیت‌های حکومتی (دولت، مجلس و...)
		میزان تکلم به زبان قومی و پاسداشت مناسبت‌های مذهبی در مناطق قومی (تأکید بر مؤلفه‌های هویتی و غیریت‌ساز)
		میزان نسبت دادن محرومیت در مناطق قومی به حکومت مرکزی (توسط نخبگان و رسانه‌های قومی)
		میزان مشارکت در انتخابات و مناسبت‌های سیاسی ملی در مناطق قومی
		مشکلات اقتصادی (بیکاری، فقر و ...) در مناطق قومی
بهره‌گیری نخبگان قومی از تعصبات قومی برای جلب حمایت اعضا از آرمان‌های سیاسی و اقتصادی خود		
مواجهه حکومت مرکزی با انجمن‌ها، احزاب و نخبگان قومی		
مشکلات و آلودگی‌های زیست‌محیطی در مناطق قومی		
تجمعات و اعتصابات غیر سیاسی (صنعی و ...) در مناطق قومی		

مدیریت بحران قومی در قالب‌های کلان و اهداف بلندمدت، اساساً تأمین امنیت ملی در کنار تکثر هویتی اقوام ایرانی را دنبال می‌کند. این اهداف در حوزه فرهنگی-اجتماعی؛ شامل تقویت روند تفاهم فرهنگی، سواد عمومی و ... در حوزه اقتصادی؛ کاهش نابرابری، توزیع عادلانه فرصت‌ها، توسعه اقتصادی و ... و در حوزه سیاسی؛ شامل احساس تعمق و یگانگی فرد با واحد سیاسی (کشور)، افزایش مشارکت سیاسی نهادینه‌شده، تمرکززدایی اداری و تقویت نهادهای مردمی در مناطق قومی است. در واقع مدیریت بحران قومی، ناظر به پیش‌بینی و پایش چالش‌ها و مقابله با شرایط آشوبناک و سیاست‌های قومی ناظر به فعال‌سازی ظرفیت‌های موجود در قومیت‌ها به منظور ایجاد ثبات اجتماعی و توسعه سیاسی-اقتصادی در بلند مدت می‌باشد.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف، یک تحقیق کاربردی است. هدف تحقیقات کاربردی، توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص است (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۸۱: ۱۰). همچنین پژوهش حاضر از نظر شیوه گردآوری داده‌ها، توصیفی با رویکرد پیمایشی است.

الف. جامعه آماری

برای دستیابی به هدف پژوهش به صاحب‌نظران و متخصصانی که در حوزه‌های امنیتی، مدیریت بحران، رسانه و ... فعالیت داشته‌اند رجوع شده است. جامعه آماری پژوهش شامل دو بخش است. جامعه آماری اولیه برای تهیه پرسشنامه؛ شامل ده تن از اساتید و نخبگان حوزه رسانه - ارتباطات و امنیت - مدیریت بحران بوده است که برای سنجش پایایی و روایی پرسشنامه از آن‌ها استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش؛ شامل ۵۰ تن از خبرگان و اساتید حوزه مطالعات قومی، رسانه، ارتباطات و مدیریت بحران‌های امنیتی در مهم‌ترین دانشگاه‌های کشور؛ نظیر تهران، علامه طباطبایی، آزاد تهران مرکز، دفاع ملی و ... دستگاه‌های اجرایی، مانند صداوسیما، وزارت کشور، دستگاه‌های انتظامی، نظامی و ... رسانه‌های کشور؛ نظیر خبرگزاری ایرنا، فارس، روزنامه جام جم، ایران و ... بوده‌اند که

پرسشنامه در اختیار آنان قرار گرفته است. با توجه به آنکه تعداد افراد صاحب‌نظر در این زمینه محدود بودند ($N=50$)، نمونه برابر با جامعه آماری است، یعنی روش نمونه‌گیری در این پژوهش، هدفمند است؛ چرا که تعداد افراد جامعه مورد مطالعه چندان زیاد نبوده و بنابراین نمونه‌گیری ضرورتی نداشته است (رک: سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۸۱).

جدول شماره ۳: جامعه آماری پژوهش

میزان تحصیلات

ردیف	کارشناسی	دانشجوی ارشد	کارشناسی ارشد	دانشجوی دکتری	دکتری
۱	۱ نفر (۲٪)	۴ نفر (۸٪)	۱۷ نفر (۳۴٪)	۱۲ نفر (۲۴٪)	۱۶ نفر (۳۲٪)

رشته تحصیلی

ردیف	علوم سیاسی	مدیریت رسانه	ارتباطات	مدیریت دولتی، امنیتی و...	سایر
۱	۱۶ نفر (۳۲٪)	۵ نفر (۱۰٪)	۹ نفر (۱۸٪)	۱۱ نفر (۲۲٪)	۹ نفر (۱۸٪)

حوزه شغلی تخصصی

ردیف	رسانه	اجرایی	پژوهشی	سایر
۱	۲۰ نفر (۴۲٪)	۱۷ نفر (۳۴٪)	۱۲ نفر (۱۸٪)	۱ نفر (۲٪)

ب. طراحی پرسشنامه

در روند پژوهش ابتدا با بررسی منابع نظری و تجزیه و تحلیل نظریه‌های مربوط به بحران قومی، الگویی مفهومی ارائه گردید که در قالب آن ۳۰ شاخص برای سنجش تأثیر پایش محیطی رسانه‌های جمعی در پیش‌بینی بحران قومی تدوین شد. این شاخص‌ها در اختیار جامعه آماری اولیه برای تأیید پرسشنامه قرار گرفت و پس از جرح و تعدیل، تعداد ۱۸ شاخص مورد تأیید قرار گرفت و براساس آن پرسشنامه طراحی گردید؛ بنابراین روایی صوری (یکی از مهم‌ترین انواع اعتبار محتوایی) ابزار سنجش با نظر خبرگان تأیید شده است. روایی صوری به این مطلب اشاره می‌کند که سؤال‌های آزمون تا چه حد در ظاهر شبیه به

موضوعی هستند که برای اندازه‌گیری آن تهیه شده‌اند (الوانی، دانایی‌فرد و آذر، ۱۳۹۲: ۲۴۶). همچنین به منظور تعیین پایایی آزمون از روش «آلفای کرونباخ» استفاده گردیده است. بدین‌منظور یک نمونه اولیه شامل ۱۵ پرسشنامه، پیش‌آزمون گردید و سپس با استفاده از داده‌های به‌دست‌آمده از این پرسشنامه‌ها و به کمک نرم‌افزار آماری SPSS میزان ضریب اعتماد با روش «آلفای کرونباخ» محاسبه شد که نتایج آن در جدول شماره ۴ نشان داده شده است. همان‌طور که از اعداد جدول ذیل می‌توان استنباط نمود، پرسشنامه از قابلیت اعتماد و یا به عبارت دیگر، از پایایی لازم برخوردار می‌باشد.

جدول شماره ۴: بررسی اعتبار و روایی پرسشنامه

ردیف	مؤلفه	آلفای کرونباخ پیش‌آزمون
۱	بازیگران بحران‌ساز	۰/۸۶۴۵
۲	تحولات بحران‌ساز	۰/۸۶۳۶
۳	کل	۰/۸۶۵۲

یافته‌های پژوهش و تجزیه و تحلیل داده‌ها

الف. تجزیه و تحلیل استنباطی داده‌ها

جهت تبیین این مسئله که هر کدام از گویه/شاخص‌های طراحی شده در پژوهش، به چه میزان ابعاد موجود در الگوی تحلیلی را قابل مطالعه و سنجش می‌سازند، در مرحله تحلیل استنباطی، به کمک نرم‌افزار SPSS بایستی «تحلیل عاملی» را انجام داد. با اجرای تحلیل عاملی تأییدی، وزن هریک از گویه‌ها در اندازه‌گیری بُعد مربوط اندازه‌گیری می‌شود و با استفاده از این اوزان، نمره کلی ابعادهای مورد بررسی در پیش‌بینی بحران‌های قومی، یعنی «رصد بازیگران بحران‌ساز» و «رصد ریشه‌ها و تحولات بحران‌ساز»، استخراج می‌شود. به همین دلیل مشخص می‌شود که شاخص‌های جدول شماره ۲ تا چه میزان ابعاد پژوهش را نمایندگی می‌کنند. سپس آزمون‌های «کولموگروف اسمیرنف» برای بررسی نرمالیتیه بودن توزیع و «تی استیودنت» برای آزمون فرض معنی‌دار بودن تأثیر ابعاد؛ «رصد بازیگران بحران‌ساز» و «رصد تحولات» بر پیش‌بینی بحران قومی انجام می‌گردد. در نهایت نیز با

تکرار آزمون، سؤال اصلی پژوهش، یعنی وجود تأثیر معنادار «پایش محیطی رسانه‌های جمعی در پیش‌بینی بحران‌های قومی»، بررسی می‌گردد.

برای سنجش وزن گویه‌ها ابتدا برای هر یک از دو بعد (رصد بازیگران و تحولات بحران‌ساز)، تحلیل عاملی تأییدی انجام می‌گیرد. خروجی اصلی تحلیل عاملی تأییدی، بار عاملی است. بارهای عاملی گویه‌های مربوط به بُعد رصد بازیگران بحران‌ساز، همراه با انحراف معیار و سطح معنی‌داری محاسبه گردیدند. محاسبه بار عاملی برای گویه‌های بعد بازیگران بحران‌ساز نشان می‌دهد بارهای عاملی استاندارد برای گویه ششم ۰/۰۹۸ و برای گویه هفتم ۰/۱۲۴ می‌باشد.

جدول شماره ۵: محاسبه بار عاملی استاندارد برای بعد بازیگران بحران‌ساز

ردیف	گویه‌ها	سطح معنی‌داری p	نسبت بحرانی	انحراف استاندارد	بار عاملی
۱	مواضع رسانه‌های بیگانه در قبال قومیت‌های داخلی	۰/۰۰۴			۰/۷۶۹
۲	مواضع رسانه‌های قومی در قبال حکومت مرکزی	۰/۰۰۳	۴/۷۸۱	۰/۲۰۳	۰/۸۶۳
۳	مواضع رسانه‌های حکومت مرکزی در قبال قومیت‌ها	۰/۰۰۵	۳/۳۸۰	۰/۱۳۶	۰/۵۰۹
۴	مواضع نخبگان قومی در قبال حکومت مرکزی	۰/۰۰۵	۲/۷۸۸	۰/۱۶۷	۰/۴۳۱
۵	مواضع انجمن‌ها و احزاب قومی در قبال حکومت مرکزی	۰/۰۰۵	۲/۷۸۸	۰/۲۲۶	۰/۴۳۰
۶	مواضع مسئولان ارشد حکومتی در قبال قومیت‌ها	۰/۵۳۱	۰/۶۲۶	۰/۲۱۰	۰/۰۹۸
۷	مواضع کشورهای بیگانه در قبال قومیت‌های داخلی	۰/۳۴۶	۰/۹۴۲	۰.159	۰/۱۲۴

با توجه به اینکه مقادیر سطوح معنی‌داری برای این دو مورد (گویه‌های شش و هفت) بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است، نتیجه می‌شود که بارهای عاملی مربوط به گویه‌های ششم و هفتم معنی‌دار نیستند. همچنین مشخص گردید که از منظر نخبگان مورد پرسش قرار گرفته، به ترتیب ۱۸ درصد گویه‌های شماره ۲ و ۱؛ «مواضع انجمن‌ها و احزاب قومی در قبال حکومت مرکزی» و «مواضع نخبگان قومی در قبال حکومت مرکزی» در بعد رصد بازیگران بحران‌ساز بیشترین تأثیر را بر پیش‌بینی بحران‌های قومی دارند.

خروجی تحلیل عاملی بر روی گویه‌های مربوط به بعد دوم (جدول شماره ۶) در الگوی تحلیلی، یعنی «رصد ریشه‌ها و تحولات بحران‌ساز» نیز نشان می‌دهد که مقادیر سطوح معنی‌داری آزمون برای کلیه گویه‌های مربوط به این بعد (گویه ۸ تا ۱۸ پرسشنامه پژوهش) کمتر از ۰/۰۵ هستند؛ در نتیجه بارهای عاملی همه این گویه‌ها معنی‌دار هستند.

جدول شماره ۶: محاسبه بار عاملی استاندارد برای بعد تحولات بحران‌ساز

ردیف	گویه‌ها/شاخص‌ها	سطح معنی‌داری p	نسبت بحرانی	انحراف استاندارد	بار عاملی
۸	نشست‌های حکومت مرکزی (با نمایندگان قومی) جهت مدیریت اختلافات	۰/۰۰۴	۳/۴۵۶	۰/۳۰۸	۰/۶۰۷
۹	میزان به‌کارگیری نخبگان قومی در اداره امور مناطق قومی	۰/۰۰۳	۴/۶۳۳	۰/۳۷۳	۰/۸۹۵
۱۰	میزان حضور نخبگان قومی در مسئولیت‌های حکومتی (دولت، مجلس و...)	۰/۰۰۴	۴/۲۲۸	۰/۳۵۶	۰/۷۶۶
۱۱	میزان تکلم به زبان قومی و پاسداشت مناسبت‌های مذهبی در مناطق قومی (میزان تأکید بر مؤلفه‌های هویتی و غیریت‌ساز)	۰/۰۰۴	۲/۸۸۹	۰/۲۸۵	۰/۴۷۰
۱۲	میزان نسبت دادن محرومیت در مناطق قومی به حکومت مرکزی (توسط نخبگان و رسانه قومی)	۰/۰۰۵	۲/۸۰۱	۰/۱۳۶	۰/۳۵۴

ردیف	گویه ها/شاخص ها	سطح معنی داری P	نسبت بحرانی	انحراف استاندارد	بار عاملی
۱۳	میزان مشارکت در انتخابات و مناسبت‌های سیاسی ملی در مناطق قومی	۰/۰۰۴	۴/۱۸۶	۰/۳۱۳	۰/۷۵۵
۱۴	مشکلات اقتصادی (بیکاری، فقر و ...) در مناطق قومی	۰/۰۰۲	۳/۱۵۳	۰/۳۰۱	۰/۵۲۱
۱۵	بهره گیری نخبگان قومی از تعصبات قومی برای جلب حمایت اعضا از آرمان‌های سیاسی-اقتصادی خود	۰/۰۲۵	۲/۲۴۵	۰/۲۸۷	۰/۳۵۴
۱۶	مواجهه حکومت مرکزی با انجمن‌ها، احزاب و نخبگان قومی	۰/۰۰۷	۲/۷۰۸	۰/۲۷۸	۰/۴۳۶
۱۷	مشکلات و آلودگی‌های زیست‌محیطی در مناطق قومی	۰/۰۰۶	۲/۷۶۷	۰/۳۱۳	۰/۴۲۷
۱۸	تجمعات و اعتصابات غیر سیاسی (صنعی و ...) در مناطق قومی	۰/۰۰۲	۳/۳۲۸	۰/۲۸۰	۰/۵۵۶

وزن و فراوانی گویه‌های مربوط به بعد «رصد ریشه‌ها و تحولات بحران‌ساز» در جدول شماره ۴ قابل مشاهده است و می‌توان نتیجه گرفت که رصد گویه‌های ۹، ۱۰ و ۱۳ به ترتیب؛ «میزان به‌کارگیری نخبگان قومی در اداره امور مناطق قومی» و «میزان حضور نخبگان قومی در مسئولیت‌های حکومتی (دولت، مجلس و ..)»، «میزان مشارکت در انتخابات‌ها و مناسبت‌های سیاسی ملی در مناطق قومی» بیشترین میزان تأثیر در پیش‌بینی بحران‌های قومی را دارند.

موضوع دیگری که باید به آن توجه شود، بررسی نیکویی برازش الگوی تحلیلی تدوین‌شده است. در واقع باید مشخص گردد که الگوی تحلیلی تدوین‌شده بر مبنای چارچوب نظری و پیشینه تجربی تا چه حد با واقعیت انطباق دارد؛ به عبارت دیگر، داده‌های گردآوری‌شده تا چه حد حمایت‌کننده الگویی است که به لحاظ نظری تدوین شده است. محاسبه شاخص‌های برازش الگو (سطح معنی داری آزمون خی الگو $0/392$ و بزرگ‌تر از $0/05$ است. مقدار CIMIN/DF نیز برابر $1/026$ است) نیز نشان‌دهنده مناسب بودن الگوی تحلیلی است. شاخص‌های برازش نیز نشان‌دهنده مناسب بودن الگوی تحلیلی پژوهش می‌باشند.

ب. تحلیل توصیفی و یافته‌های پژوهش

با استفاده از بارهای عاملی گویه‌ها، در واقع نمرات ابعاد مورد بررسی در پژوهش (رصد بازیگران بحران‌ساز و رصد تحولات) استخراج می‌شوند. بدین ترتیب با محاسبه میانگین وزنی پاسخ‌ها، گویه‌های مربوط به هر بعد در یک نمره خلاصه می‌شود تا آزمون تی استیودنت را برای بررسی این فرض که «آیا بعد مورد نظر تأثیر معنی‌داری در پیش‌بینی بحران‌های قومی دارد؟»، انجام گیرد؛ اما از آنجا که انجام آزمون تی استیودنت مستلزم برقراری فرض نرمال بودن است، ابتدا آزمون کولموگروف اسمیرنوف اجرا می‌شود. خروجی این آزمون نیز با توجه به مقادیر سطوح معنی‌داری که برای بُعد اول، یعنی رصد بازیگران بحران‌ساز برابر $0/403$ (بزرگ‌تر از $0/05$) و برای بعد دوم، یعنی رصد تحولات برابر $0/912$ (بزرگ‌تر از $0/05$) می‌باشد، نتیجه می‌شود فرض نرمالیتی برای نمرات هر دو عامل پذیرفته می‌شود و اجرای آزمون تی استیودنت مجاز است.

برای آزمون، فرض معنی‌دار بودن تأثیر ابعاد رصد بازیگران بحران‌ساز و رصد ریشه‌ها و تحولات از آزمون تی استیودنت تک‌نمونه‌ای با ثابت ۳ استفاده می‌شود. خروجی این آزمون برای نمره بعد اول؛ رصد بازیگران بحران‌ساز به صورت زیر است:

جدول شماره ۷: آماره‌های تک‌نمونه‌ای برای بعد «رصد بازیگران بحران‌ساز»

بعد	خطای معیار میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد
بازیگران بحران‌ساز	$0/08096$	$0/057245$	$3/8711$	۵۰

چنانچه گفته شد هدف فرعی اول این پژوهش، بررسی تأثیر متغیر «پایش بازیگران بحران‌ساز» بر متغیر «پیش‌بینی بحران‌های قومی» می‌باشد. در جهت سنجش تأثیر متغیر «پایش بازیگران بحران‌ساز» بر متغیر «پیش‌بینی بحران‌های قومی» گویه‌هایی چون: «مواضع انجمن‌ها و احزاب قومی در قبال حکومت مرکزی»، «مواضع و جهت‌گیری مسئولان ارشد حکومتی در باب قومیت‌ها»، «مواضع و برنامه‌های رسانه‌های بیگانه و متخاصم در قبال قومیت‌های داخلی و ... طراحی گردید. براساس نتایج حاصل از آزمون تی استیودنت تک‌نمونه‌ای با ثابت ۳، سطح معنی‌داری $0/000$ و میانگین $3/8711$ ، این نتیجه حاصل

گردید که «رصد بازیگران بحران‌ساز» بر «پیش‌بینی بحران‌های قومی» از نظر آماری تأثیر معنی‌داری دارد. همچنین خروجی آزمون تی استیودنت برای عامل دوم، یعنی رصد ریشه‌ها و تحولات بحران‌ساز به صورت زیر است:

جدول شماره ۸: آماره‌های تک‌نمونه‌ای برای بعد «رصد ریشه‌ها و تحولات بحران‌ساز»

تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای معیار میانگین	بعد
۵۰	۳/۸۱۱۵	۰/۶۰۴۶۳	۰/۰۸۵۵۱	ریشه‌ها و تحولات بحران‌ساز

طبق هدف فرعی دوم این پژوهش و در راستای سنجش تأثیر متغیر «رصد تحولات بحران‌ساز» بر متغیر «پیش‌بینی بحران قومی» گویه‌هایی چون: «میزان مشارکت در انتخابات‌ها و مناسبت‌های سیاسی ملی در مناطق قومی»، «مشکلات اقتصادی و معیشتی در مناطق قومی»، «تجمعات و اعتصابات غیر سیاسی در مناطق قومی» و... طراحی گردید که براساس نتایج حاصل از آزمون تی استیودنت تک‌نمونه‌ای با ثابت ۳، سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ و میانگین ۳/۸۱۱۵، نتیجه می‌شود عامل «رصد ریشه‌ها و تحولات» بر «پیش‌بینی بحران‌های قومی» از نظر آماری تأثیر معنی‌داری دارد.

از آنجا که بعدهای رصد بازیگران بحران‌ساز و رصد تحولات، خود دارای عامل زیربنایی با نام پایش محیطی رسانه‌های جمعی هستند، به همین دلیل نمره این بعد (پایش محیطی رسانه‌های جمعی) با استفاده از میانگین موزون نمرات دو بعد مزبور با وزن‌هایی برابر بارهای عاملی به دست می‌آید. نتیجه آزمون تی استیودنت تک‌نمونه‌ای با ثابت ۳ به صورت زیر است:

جدول شماره ۹: آماره‌های تک‌نمونه‌ای برای بعد «پایش محیطی رسانه‌های جمعی»

تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای معیار میانگین	بعد
۵۰	۳/۸۴۱۳	۰/۴۵۴۲۵	۰/۰۶۴۲۴	پایش محیطی رسانه‌های جمعی

با توجه به مقدار سطح معنی‌داری آزمون که تا سه رقم اعشار برابر صفر محاسبه شده و همچنین مقدار میانگین که برابر ۳/۸۴۱۳ است، نتیجه می‌شود؛ عامل «پایش محیطی رسانه‌های جمعی» تأثیر معنی‌داری در پیش‌بینی بحران‌های قومی دارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

الف. نتیجه‌گیری

رسانه‌های جمعی به واسطه نقش نظارتی (پایش محیطی) خود، می‌توانند به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین عناصر جهت کسب داده‌ها و اطلاعات از محیط اطراف تعریف شوند. کارکرد نظارت بر محیط؛ شامل اخبار و اطلاعاتی است که رسانه‌ها در مورد رویدادهای مربوط به تحولات اقتصادی، دگرگونی‌های سیاسی، دگرگونی‌های آب و هوایی و ... تهیه و به مخاطبان انتقال می‌دهند. در واقع یکی از علل اصلی حضور رسانه‌ها در صحنه بازیگری بحران، صرف نظر از رابطه موضوع با افکار عمومی، مسئولیت‌های اجتماعی است که رسانه‌ها بر عهده دارند و یکی از این مسئولیت‌ها، «نظارت بر محیط» یا «پایش محیطی» است. هدف اصلی این پژوهش بررسی و تبیین تأثیر «پایش محیطی رسانه‌های» در «پیش‌بینی بحران‌های قومی» بوده که با توجه به این هدف، سؤال اصلی پژوهش بدین‌گونه طراحی شد: «پایش محیطی رسانه‌های جمعی چگونه در پیش‌بینی بحران‌های قومی تأثیر می‌گذارد؟» و سپس در ادامه برای واکاوی دقیق تأثیر ابعاد متغیر «پایش محیطی» بر متغیر «پیش‌بینی بحران قومی»، دو سؤال فرعی نیز طراحی شد. براساس نتایج حاصل از آزمون تی استیودنت تک‌نمونه‌ای با ثابت ۳، سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ و میانگین ۳/۸۴۱۳ این نتیجه کسب گردید که عامل «پایش محیطی رسانه‌های جمعی» بر «پیش‌بینی بحران‌های قومی» از نظر آماری تأثیر معنی‌داری دارد. بر این اساس و مبتنی بر روش‌شناسی اکتشافی پژوهش، می‌توان جمع‌بندی نمود که: «نتایج پرسشنامه نشان می‌دهد عامل پایش محیطی رسانه‌های جمعی تأثیر معنی‌داری در پیش‌بینی بحران‌های قومی دارد. مهم‌ترین ابعاد پایش محیطی رسانه‌های جمعی، رصد بازیگران بحران‌ساز و تحولات بحران‌ساز می‌باشد. این دو بعد پایش محیطی در قالب مؤلفه‌هایی چون؛ مواضع انجمن‌ها و احزاب قومی در قبال حکومت مرکزی، مواضع و جهت‌گیری مسئولان ارشد حکومتی در باب قومیت‌ها، مواضع و برنامه‌های رسانه‌های بیگانه و متخاصم در قبال قومیت‌های داخلی و ... (برای رصد بازیگران بحران‌ساز) و میزان مشارکت در انتخابات‌ها و مناسبت‌های سیاسی -

ملی در مناطق قومی، مشکلات اقتصادی و معیشتی در مناطق قومی، تجمعات و اعتصابات غیر سیاسی در مناطق قومی و ... (برای رصد تحولات بحران‌ساز) وقوع بحران‌های قومی را پیش‌بینی می‌نماید».

ب. پیشنهاد

با توجه به طولانی بودن دوره بحران‌های قومی و هزینه‌های سنگین مادی و معنوی این‌گونه بحران‌ها برای کشور، بهره‌گیری حداکثری از رسانه‌ها برای تقویت توان پیش‌بینی و پیشگیری از بحران‌های قومی و در مراحل بعدی جهت کاهش تنش، بایستی در دستور کار مدیریت بحران قومی قرار گیرد. از این جهت، ثقل توجه به رسانه، به‌جای اطلاع‌رسانی در حین بحران، باید به پیش‌بینی بحران، در مرحله پیش از بحران، متمرکز گردد.

با توجه به ظرفیت گسترده رسانه‌ها ضرورتی راهبردی است تا نگاه مسئولان و نهادهای متولی مدیریت بحران به رسانه، از یک عامل مزاحم و مداخله‌گر منفی به یک عنصر مثبت و یاریگر تغییر یابد. از این جهت، رسمیت بخشیدن به رسانه‌های جمعی به‌عنوان عضوی از کمیته مدیریت بحران در سطوح مختلف ملی و استانی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

رسانه‌های جمعی کشور جهت نقش‌آفرینی مثبت و مؤثر در مدیریت بحران‌های قومی، بایستی دارای برنامه راهبردی و جامع بوده و درک مبتنی بر منافع و امنیت ملی را بر نگرش سیاسی ترجیح دهند. به همین جهت با ارائه آموزش‌ها و تدوین قوانین بایستی نقش مثبت رسانه‌ها را در مراحل مختلف مدیریت بحران؛ رصد، تحلیل زمینه‌ها، اطلاع‌رسانی، کاهش تنش‌ها و مدیریت در بازه‌های زمانی بلندمدت، تقویت نمود.

خصوصی یا دولتی بودن رسانه، رسمی یا مجازی بودن و ... از جمله متغیرهایی است که می‌تواند بر نقش رسانه در مدیریت بحران بسیار تأثیرگذار باشد؛ بنابراین یکی از محورهای پیشنهادی برای پژوهش‌های آتی، تأثیر نوع مالکیت رسانه (خصوصی یا دولتی) و نوع رسانه (جمعی یا مجازی) بر کارویژه پایش محیطی آن، جهت پیش‌بینی بحران‌های قومی است.

فهرست منابع و مآخذ

الف. فارسی

- احراری، ابراهیم (۱۳۸۴)، «راهبردهای رسانه‌ای برای پیشگیری از بحران»، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال دوازدهم، شماره ۴۲ و ۴۳.
- احمدی، حمید (۱۳۸۶)، قومیت و قوم‌گرایی در ایران، تهران: نشر نی.
- الطایی، علی (۱۳۸۲)، بحران هویت قومی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر شادگان.
- امان‌اللهی بهاروند، اسکندر (۱۳۸۰)، «بررسی علل گونه‌گونی قومی در ایران از دیدگاه انسان‌شناسی»، فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره ۱.
- امیر تیموری، محمدحسن (۱۳۷۷)، رسانه‌های آموزشی، شیراز: ساسان.
- ایزدی، رجب (۱۳۸۳)، نگاهی به یک دهه چالش بر سر هویت آذربایجان، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- بشیر، حسن (۱۳۸۷)، «رسانه‌ها و معناشناسی بحران»، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال پانزدهم، شماره ۵۵.
- پورعزت، علی‌اصغر؛ سید حسن دامادی؛ شهرزاد مصطفوی؛ مصطفی متحدین؛ علی صیادی‌زاده (۱۳۸۲)، «طراحی سیستم بسیج امکانات ملی برای مواجهه مناسب با بحران‌های طبیعی و اجتماعی»، فصلنامه کمال مدیریت، سال دوم، شماره ۴ و ۵.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹)، مدیریت بحران: نقدی بر شیوه‌های تحلیل و تدبیر بحران در ایران، تهران: نشر فرهنگ گفتمان.
- دانایی‌فرد، حسن؛ سید مهدی الوانی؛ عادل آذر (۱۳۹۲)، روش‌شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع، تهران: انتشارات صفار.
- روشندل ارتباطی، طاهر (۱۳۸۷)، «نقش مدیریت رسانه در تحول بحران از تهدید به فرصت»، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال دوازدهم، شماره ۵۵.
- روشندل ارتباطی، طاهر؛ سیاوش صلواتیان (۱۳۸۹)، «طراحی مدل نقش رسانه‌های جمعی در مدیریت مرحله پیش از بحران»، فصلنامه علوم مدیریت ایران، سال پنجم، شماره ۱۷.
- رضائیان، علی (۱۳۸۲)، «الزامات مدیریت بحران»، فصلنامه کمال مدیریت، سال دوم، شماره ۴ و ۵.
- جلالی‌پور، حمیدرضا (۱۳۷۲)، علت تداوم بحران کردستان بعد از انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات وزارت خارجه.
- سرمد، زهره؛ عباس بازرگان؛ الهه حجازی (۱۳۸۱)، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: انتشارات آگاه.
- سورین، ورنر؛ جیمز تانکارد (۱۳۸۶)، نظریه‌های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- صالحی امیری، سید رضا (۱۳۹۱)، مدیریت منازعات قومی در ایران، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- صلواتیان، سیاوش (۱۳۸۹)، رسانه‌ها و مدیریت بحران، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

- قلی‌پور، آرین؛ علی‌اصغر پورعزت (۱۳۸۲)، «تأملی بر نقش رسانه ملی در رصد و مدیریت بحران‌های پنهان اجتماعی: مدیریت قومیت‌ها»، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال دوازدهم، شماره ۵۶.
- کازینو، ژان (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی، ترجمه باقر ساروخانی و منوچهر محسنی، تهران: اطلاعات.
- کوئن، بروس (۱۳۷۲)، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه و اقتباس فاضل توسلی، تهران: سمت.
- گودرزی، غلامرضا (۱۳۸۲)، «طراحی مدل مفهومی آینده‌نگری مدیریت بحران با رویکرد فرهنگی»، فصلنامه کمال مدیریت، سال دوم، شماره ۴ و ۵.
- عصاریان‌نژاد، حسین (۱۳۸۳)، «امنیت و قومیت در جمهوری اسلامی ایران»، ماهنامه دانشگاه عالی دفاع ملی، شماره ۴۸.
- مک‌کارتی، شاون (۱۳۸۱)، نقش اطلاعات در مدیریت بحران، ترجمه محمدرضا تاجیک، تهران: فرهنگ گفتمان و بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۲)، تحولات قومی در ایران، علل و زمینه‌ها، تهران: موسسه مطالعات ملی.
- مهدی‌زاده، سید محمد (۱۳۹۱)، نظریه‌های رسانه؛ اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی، تهران: انتشارات همشهری.
- میلر، دلبرت (۱۳۸۰)، راهنمای سنجش و تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نائینی، تهران: نشر نی.
- نجات‌بخش، علی؛ اکبر باقری (۱۳۸۷)، «نقش رسانه‌های جمعی در پیشگیری از بحران‌ها»، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال دوازدهم، شماره ۵۶.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۷۹)، رضاشاه و دولت ایلی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- وردی‌نژاد، فریدون؛ شهلا بهرامی (۱۳۸۸)، مدیریت بحران و رسانه‌ها، تهران: سمت.
- هادیان، حمید (۱۳۸۴)، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران: ایده‌های متباین قومی و جمعیت رو به رشد جوان، فصلنامه مجلس و پژوهش، سال دوازدهم، شماره ۴۹ و ۵۰.

ب. انگلیسی

- Barth, Ernest A. T & Noel Donald L (1987), "Conceptual frame Works for the Analysis of Race Relations", An Evaluation Social Forces, Vol 50, No 3.
- Joirman, Sandra (2003), Nationalism and political identity, London & Newyork: Continuum.
- Borodzicz, E. P. (2005). Risk, crisis and security management. West Sussex: John Wiley and Sons Ltd.